

خجسته باد روز اول ماه می یا روز جهانی کارگران همه کشورها



کارگران نساجی پلخمری



**زحمتکشان - باربران روی سرک های کابل در جاده
میوند**



مردان زحمتکش که در جستجوی یک لقمه نان و
پیدا کردن کاری از کاشانه شان بیرون شده اما
کاری نیافته اند و در کنار سرک به خواب عمیق
فرورفته اند.



اینهم زنان و فرزندانشان که در کنار سرک خوابیده اند و سخن از خواسته های سیاسی و اقتصادی رنجبران از کجا تا کجاست ؟

آیا طالبان و حزب اسلامی و آی آس آی خواهند توانست به این همه بیکاران و بینوایان کار بدهند ؟

همه آنهاييکه برای بقدرت رسیدن طالبان و حزب اسلامی روز شماری میکنند، بایست در این روز ماه می در این همه موارد بیاندیشند !

دولت مداران و اطرافیان و دوستان حامد کرزی با جمع کردن اجباری بیکاران و دریوزه گران از سرک ها و محله ها راه حل را جستجو کرده اند ، راه حل طالبی باز چه خواهد بود؟



زحمتکش تیزگر در بازار گاه فروشی کابل





تیز گر سیار با بایسکلش کوچه بکوچه بخاطر پیدا نمودن یک لقمه یا یک کومه نان سرگردان میگردد. ■





حاجی علی محمد نجارناگزیر است تا جان به تن دارد کار نماید. بایست خودش ونواسه اش کار نمایند تا نان شبانه روزی خانواده شان را پیدا کنند. ناصر فرزند حاجی علی محمد نجار به ایران رفته بود تا لقمه نانی بدست بیاورد اما سربریده واز تن جدا شده اش را برای پدرش از ایران آوردند. گزارش اش در گفتمان منتشر شده بود.



به محیط زیست رنجبران توجه نمایید !



فابریکه جنگلک یا نخستین کارخانه ایکه کارگران اش اول ماه می را در سال 1347 برابر به 1968 در شهر کابل براه انداختند. کارخانجات جنگلک در حین جنگهای تنظیمی در سال 1992 چنین به گلوله هاوخمپاره ها بسته شد و حزب اسلامی فرمان تخریب وچپاول اش را داد و ماشین آلات اش را به پاکستان انتقال دادند. از سال 2001 یا حاکمیت حامد کرزی و دوستانش کارخانجات جنگلک کماکان ویرانه بوده واینک به قرار گاه معتادین به هیرویین تبدیل شده است !

کارخانه رابه گلوله بستند :

تا نامی از کارگرو کارخانه و تظاهرات را در گهنامه افغانستان نمانند !





مردی که همه روزه از پلچرخی و گمرک کابل
کراچی را کش میکند تا لقمه نانی بدست بیاورد.



کارگران ساختمانی در منطقه پل باغ عمومی کابل







در مورد وضعیت صنایع ، اول ماه می و زندگی مردم
از همین قلم به مقالات زیر در گفتمان نیز هر گاه توجه نمایید ،
اندکی وقت شما شاید ضایع نگردد.

[سخنی در باره صنایع در افغانستان \(باقی سمندر - سرپاز آزادی \)](#)

[سخنی در مورد اول ماه می و تجلیل آن در کابل \(باقی سمندر \)](#)

[از کابل - افغانستان تا سن خوزه ای چیلی یا از جبر تا اختیار ؟ \(باقی سمندر - سرباز آزادی\)](#)

[فقر و غنا در شهر کابل \(گزارشی از باقی سمندر\)](#)

[کابل 'امن تر از لندن' یا 'بدترین محل زندگی' برای کودکان؟ \(باقی سمندر - سرباز آزادی\)](#)

[کودک ربایی در کابل \(گزارشی از باقی سمندر\)](#)

[سلام از کابل ماتم زده و سر زمین ملیونها فقیر و گرسنه \(نامه ای از باقی سمندر\)](#)

[شصت هزار کودک کارگر در افغانستان؟ \(باقی سمندر\)](#)

و مقالات دیگر... را بنام باقی سمندر در گوگل بیابید

خجسته باد

روز اول ماه می

یا روز جهانی

کارگران همه کشورها



ماشین هایی چاپ که با آنها هزاران جلد کتاب و ملیونها شماره نشریه و مجله در مطبعه دولتی کابل- مطبعه بیهقی چاپ میشدند ، در دوران جنگهای تنظیمی و حاکمیت طالبان تا سال 2001 چنین گردیده اند. شما حدیث مفصل از وضعیت کارگران فن چاپ را در زمان حاکمیت تنظیم ها و طالبان از روی همین یک عکس میتوانید حدس بزنید. در آینده نزدیک در مورد صنعت چاپ مطالبی خواهم نوشت.

یاد همه کارگران به ویژه کارگران مطابع گرامی باد.



یک کارگر فنی چاپ در مطبعه دولتی که اکنون بنام مطبعه آزادی یاد میگردد با انبوه از درد و غم و اندوه در ماشین چاپ تکیه نموده و روزهای گذشته را بخاطر می آورد و در مورد آینده می اندیشد.

خوانندگان عزیز و ارجمند !

هرگاه کارگر میباشید، یا زحمتکش یا طرفدار مردم ستمدیده و بینوا، برای همه شما روز اول ماه می را خجسته می خواهم.

اگر در کشور های مغرب زمین بویژه در اروپا بسر میبرید ، حتمن از هفته ها به اینسون در کوچه و بازار ویا همه محلات کارگری پلاکارت ها و اعلامیه ها بخاطر اول ماه می توجه شما را جلب نموده و یا شاید خود شما هم در راه پیمایی ها و تظاهرات اول ماه می شرکت می نمایید و با احزاب سیاسی ، اتحادیه ها و یا سندیکاها یکجا در همین روز گام میگذارید و در شب فردای اول ماه می هم در شب نشینی ها و جشن ها شرکت می نمائید.

امید وارم در هر کشوری که هستید ، شمه ای از تجارب از اول ماه می را هم اگر مایل باشید ، بنویسید وبا انتقال این تجارب اندکی به تجربه غیر مستقیم کارگران افغانستان افزوده خواهد گردید.

من برای همه هموطنانم جشن نوروز را که از باستان تا حال در کشور ما تجلیل میگردد و یا فرارسیدن عید سعید رمضان یا اضحی را تبریک گفته ام و باز خواهم گفتم.

روز اول ماه می برایم مانند روز های عید نه قدسیت مذهبی دارد و نه سنت باستانی مشرق زمینی ، اما در تجلیل اول ماه می از سال 1347 خورشیدی -1968 میلادی و یا از زمانی که باکارگران و زحمتکشان در افغانستان و یا در مغرب زمین با کارگران و یا کارگران بیکار آشنا شده ام و یا از رنج و غم و اندوه شان یا از مبارزه و پیکارهای تاریخی پر فراز و نشیب شان خوانده ام و یا شنیده ام ، کوشیده ام در راه پیمایی ها و محافل اول ماه می سهم بگیرم.

بخاطر دارم در روز های نوروز و یا عید در افغانستان کودکان و زنان و مردان لباس های پاک و نظیف پوشیده و با خوشی زیادی در این مراسم شرکت نموده اند و مینمایند ، در روز های اول ماه می هم عده ای از کارگران و اعضای خانواده شان با لباس های پاک و شسته ، روفته و اتو کرده در مغرب زمین شرکت نموده و با پخش اعلامیه ها و نشرات ، جراید و یک شاخه گل سرخ میخک از وضعیت سیاسی و طبقاتی و اقتصادی و اجتماعی کارگران سخن ها داشته و همیشه تکیه بر مبارزه طبقاتی کارگران و نیروی کار بر ضد طبقه سرمایه دار و نیروی سرمایه داشته و دارندو با انتشار اعلامیه ها افکار و تجارب شان را با همدیگر تبادل میدارند.

کارگران و زحمتکشان کشورهای شمال سرمایه داری و یا کشورهای جنوب و یا پیرامونی و یا سایر کشور ها امروز دارای تجارب گوناگون بوده و از ماشین شکستن ها تا قیام ها و یا شرکت در انقلابهای سرمایه داری یا کارگری و یا دهقانی - کارگری و یا قیام های همه زحمتکشان را به اشکال قهر آمیز یا مسالمت آمیز بخاطر داشته و این تجارب را نسل به نسل انتقال میدهند.

کارگران در همه کشور های سرمایه داری و یا حتی کشورهای پیرامونی با نام کارگران مبارزو انقلابی ، با نام روشنفکران انقلابی و ضد سرمایه داری آشنا بوده و از همه مهمتر با نام کارل مارکس و فریدریش انگلس آشنایی بیشتر دارند.

نامهای روزا لوگزامبورگ و کارل لیبکنخت ، لنین و استالین ، ماتوتسه دون و یا هوچی مینه ، و یا اتحادیه های بین المللی کارگران مانند بین الملل اول یا دوم یا دو نیم یا سوم یا چهارم و نام های لیون تروتسکی همانقدر برای بسا از کارگران آشنا است که در روز های اول ماه می صد ها گروه را از همین بخشها بانشرات شان در کشور های اروپایی میبینیم. نام ارنستو چه گوارا و انقلاب کوبا برای هزاران کارگر در اروپا و جهان نا آشنا نیست.

بسا از کارگران یا روشنفکران نه تنها با نام ها بلکه با آثار نویسندگان انقلابی و یا نویسندگان مترقی هم آشنا میباشند.

از اینرو روز اول ماه می روز جشن و راه پیمایی و تبادل تجارب در سطح کشوری و منطقوی جهانی است. کارگران هم دیگر را بنام دین و یا مذهب ، قوم و یا قبیله ، رنگ و جنس در این روز اول ماه می نمی بینند بلکه همه در بلاک ها یا و یا بخشهای گوناگون در تظاهرات شرکت مینمایند و دوش بدوش همدیگر بر ضد نظام سرمایه داری پیکار مینمایند و راه میروند.

از کارگران علاقمند کمونیسم ، سوسیالیزم ، سوسیال دموکراسی تا روشنفکران انارشیست و همه گرایشات رنگارنگ در تظاهرات ای که در کشور های اروپایی و امریکای جنوبی و .. برگزار میگردد ، شرکت مینمایند و به معنی اصلی کلمه خود خویشتن را خوشحال و مسرور احساس مینمایند.

در سده بیستم گرایش چپ و گرایش کارگری در همه کشور های صنعتی اروپایی توانسته بود بسا از روشنفکران ، شعرا و یا فلاسفه را بخود جلب و مشغول دارد و در افغانستان نیز خود را چپ خواندن و چپ گفتن جز مباحثات بود ، اما در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم فرار نمودن از نام کارگر و زحمتکش و ستمکش و انقلاب در افغانستان مد روز گردیده است ، چه بسا که در خدمت دشمنان کارگران قرار گرفتن برای تنی چند جز مباحثات و افتخارات بشمار میرود.

در همین روز گار ستمکش ترین و رنجدیده ترین طبقه اجتماعی باز هم کارگران کشور های صنعتی و پیرامونی اند و بهره کشی از پیکر شان در سطح جهانی بیداد می کند و فقر و گرسنگی و زندگی در خط زیر فقر به پیمانه جهانی با شلاق گلوبالیزم گلوی ملیونها کارگر و زحمتکش را میفشارد.

قطب سرمایه دار در ناز و نعمت بسر میبرد و روشنفکران زیادی به مثابه خدم و حشم سرمایه و سیستم سرمایه داری جهانی میکوشند در قرن بیست و یکم به نجات بیدادگران و

بهره‌کشان و ستمگران تلاش ورزند و از جنگ و جنگ افروزی حمایت نموده و بجای تضاد اصلی و اساسی میان کار و سرمایه میکوشند تا "تضاد جنگهای مذهبی" و جنگهای قومی و اتنیکی و جنگهای فرهنگی و زبانی را جاگزین نمایند و به صورت آشکار در خدمت کارخانه‌های رنگارنگ اسلحه‌سازی و فن‌آوری جنگی قرار گرفته و میکوشند.

اگر از عده‌ای از این دسته عناصر پرسیده شود که جنگ‌های روان و جاری چه تاثیری برای بهبود بخشیدن به زندگی کارگران، دهقانان و زحمتکشان در دنیا و یا در افغانستان دارد، برافروخته میگردند و هزاران فحش و دشنام را به پرسشگر مینویسند و میگویند.

روزانه هزاران تن باروت و سرب و فلزات و گداخته از افریقای تا آسیا از لیبیا تا عراق و افغانستان بخاطر نفت و سود و حد اکثر سود بالای مردم کشورها ریختانده میشود و فکر سازان‌ای کارخانه‌های تولید فکری در تولید و باز تولید افکار جنگی و نظامی و یا ملتاریستی با رسانه‌های برقی و الکترونیک یا چاپی و شفاهی و دیداری و شنیداری از بام تا شام مشغول اند.

از آنجاییکه اقتصاد و سیاست حاکم در سطح کره زمین اقتصاد و سیاست و فرهنگ سرمایه‌داری است، پس اندیشه حاکم نیز در سطح جهانی اندیشه طبقه مسلط نظام سرمایه‌داری میباشد. اینکه علاقمندان کدام نویسنده و یا فیلسوف سرمایه‌دار اندیش در دنیا چه میگویند و مینویسند تا برده‌گی مزدوری را گو یا جاودانه جلوه دهند، موضوع این نبشته من نیست.

اما این اندیشه سرمایه‌داری با هزار و یک نیرنگ در 196 کشور و دولت جهان در بسط و گسترش جنگ و خونریزی و بربادی بشریت سهمی بیسابقه‌ای را ادا مینماید.

قد علم کردن و بپا خاستن برضد ظلم و ستم و استبداد و بربریت جدا از مبارزه برضد نظام و سیستم جهانی سرمایه‌داری نیست و نمیتواند باشد. این نظام و سیستم بشریت را در بن بست کشانیده و بربریت را اشاعه میدهد.

کارگران در اول ماه می و همه روزهای زندگی‌شان برای فردای بهتر از امروز برای فردای درخشان تلاش میورزند.

نظام سرمایه‌داری میلیونها انسان را از خود بیگانه ساخته و از خود بیگانگی از بام تا شام تولید و تجدید تولید میگردد.

کارل مارکس در آغاز و مقدمه کتاب سرمایه نوشته بود:

اگر سجایای جامعه انسانی زاده محیط است، پس باید محیط را انسانی ساخت.

یا وقتی مارکس تزه‌های فویر باخ را رد میکرد در یکی از تزه‌هایش برضد فویر باخ نوشته بود :

فلاسفه دنیا را تعبیر و تفسیر میکنند ، حالانکه صحبت درمورد تغییر جهان است.

اگر فراموش نه نمایم ، امروز در هیچ گوشه دنیا فردی نمیتواند به کارگران بگوید که کارگران باید اسیر نظام و سیستم سرمایه داری جهانی باشند، بلکه در مورد رهایی کارگران نظریه پردازان زیادی نوشته اند و خواهند نوشت.

ما در قرن زندگی مینماییم که قرن مارکس یادش میکنند و خواهند نمود.

اگر حماسه اول ماه می را در ایالات متحده امریکا انارشیست ها با خون خود روی سنگفرش ها نوشتند ، در قرن بیست و سده بیست و یکم نام مارکس با نام کارگران همزمان یاد میشود.

اگر از سطح عام و جهان به سطح افغانستان نگاهی نمایم به طور خاص ناگزیرم که در مورد تاریخچه جنبش اول ماه می در افغانستان نیز توجه خوانندگان علاقمند را جلب نمایم.

کارگران صنعتی یا کشاورزی در کشور افغانستان نیروی بسیار جدید و مدرن میباشند و عمر کارگران صنعتی در افغانستان با نام شمس النهار و مطبوعه و نام کارگران روز مزدی در شیر پور با دوره سلطنت امیر شیر علی خان گره خورده است . نام کارگران در افغانستان با فابریکه حربی و یا الم گنج در زمان سلطنت مستبد امیر عبدالرحمن عجین شده و ریشه در شهر ها و روستا ها دارد و با نام نامی پیشه وران گاهی یکجا خوانده میشود.

وضعیت کارگران روز مزد در افغانستان و یا آنهاییکه از افغانستان فرار کرده در ایران و بسا از کشور ها رفته اند و برای زنده ماندن ناگزیر شده اند تا درپروسه تولید شرکت نمایند و آهسته آهسته به کارگران فنی و یا غیر فنی تبدیل شده و دارای تجارب بسیار گرانها شده اند ، نیاز به نوشتن دقیق و همه جانبه و عمیق دارد.

امسال در روز اول ماه می یا روز جهانی کارگران جهان در باره اول ماه می و وضعیت کارگران و رنجبران دنیا و یا افغانستان اگر بنویسم ، مثنوی هفت من کاغذ خواهد گردید.

زندگی کارگران جهان روز بروز دشوار تر میگردد و فشارای بهره کشی از پیکر کارگران در زمان عقلایی شدن صنعت شدت بیشتر گرفته و دوطبقه اصلی جهان یعنی کارگران و

سرمایه داران و نیروی کار و سرمایه به پیمانۀ وسیع در برابر همدیگر در اول ماه می صف آرایی مینمایند.

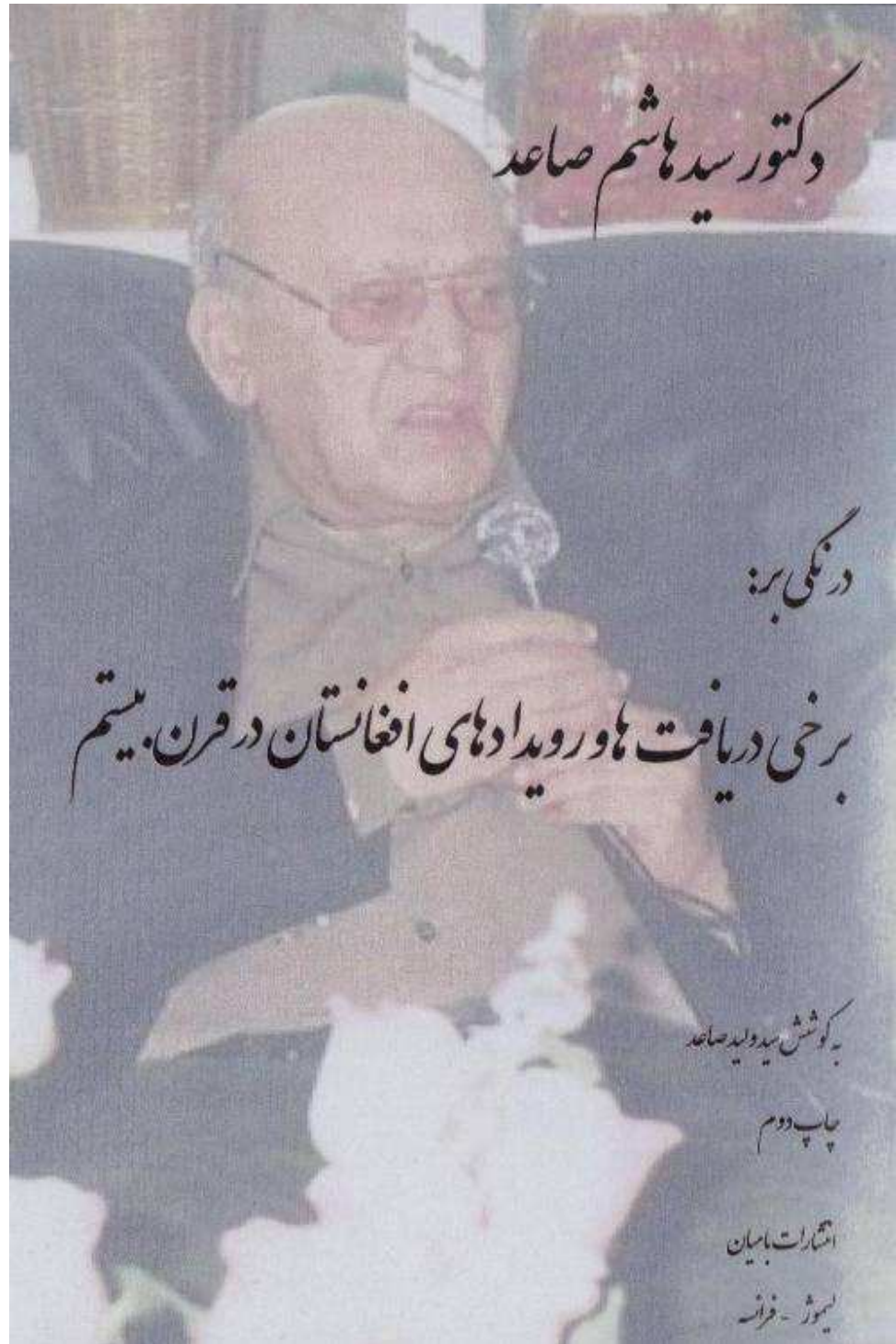
کارگران جهان در روز اول ماه می با طرح نمودن خواسته های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی شان در روی خیابانها در صد ها شهر خرد و بزرگ بیرون میشوند و اتحادیه ها و سندیکا ها و شورا ها و احزاب سیاسی با گرایشات گوناگون همه در مورد کارگران سخن میگویند.

من میکوشم امسال در اول ماه می شما را با ارایه اسناد در مورد نخستین برگزاری تظاهرات کارگری در افغانستان در جریان بگذارم تا همه آنها بیکه در فکر افغانستان و بازسازی و آبادی افغانستان میباشند ، در مورد نیروی ایکه بدون تلاش وی افغانستان آباد و مترقی و پیشرفته هرگز وجود نخواهد داشت ، هم بیاندهند و کمتر بفکر تفنگداران و زور مندان و قدرت مندان و بیشتر در فکر ناداران و بیچارگان و بینوایان باشند.

چهل و سه سال پیش از امروز نخستین مظاهره کارگران در روز اول ماه می در شهر کابل بوسیله کارگران فابریکه جنگلک برگزار شد.

عده ای از روشنفکران در آن زمان دیدند که کارگران بفکر منافع قومی و قبیله ای و منطقوی و تباری نبوده بلکه بفکر و اندیشه منافع سیاسی و اقتصادی خود بودند.

من شما را بخواندن چند ارزیابی از استاد دکتور سید هاشم صاعد استاد سابقه دار و نیک نام دانشگاه کابل و یکی از فعالین مترقی افغانستان دعوت مینمایم.



استاد دكتور سيد هاشم صاعد كتابي بنام :

درنگی بر:

برخی دریافت ها و رویداد های افغانستان در قرن بیستم " نگاهی به گذشته اند .

استاد دکتورسید هاشم صاعد کتابی را که در بالا عکس استاد را در پشتی آن می بینید ، در 214 صفحه به قطع و صحافت 21 سانتی متر در 14.8 سانتی متر یا " دین آ پنج " نوشته و در شهر لیموژ فرانسه منتشر نموده اند. خواندن این کتاب را به همه علاقمندان ترقی و تعالی افغانستان پیشنهاد مینمایم. من در آینده نزدیک از این کتاب وزین بیشتر سخن خواهم گفت. اینک توجه شما را در مورد نخستین روز برگزاری تظاهرات اول ماه می جلب مینمایم.

زیر عنوان ای سازمان جوانان مترقی چنین تذکر داده اند:

سازمان جوانان مترقی :

"در سال 1965 یک تعداد عناصر آگاه و وطنپرست افغان که خود را از کانون سیاست فرمایشی سابقه دور نگهداشته بودند، در آوان دموکراسی شاهی و سیاست عنلی " حزب دموکراتیک خلق " که منادی اهداف و منافع شوروی بوده توسط پرچمی ها و خلقی ها به گردش افتاده بود ، نمیتوانستند منافع توده های مردم را از نظر دور داشته و مهر خموشی بر لب زنند. از اینجاست که یک عده عناصر شریف و با تقوی " سازمان جوانان مترقی " را تاسیس نمودند.

شعله جاوید به حیث ارگان نشراتی سازمان جوانان مترقی به نشرات آغاز نمود و بعد از یازده شماره که آخرین آن در 13 جون 1968 منتشر ، شماره دوازدهم مصادره گردید.

شعله جاوید به خاطر پخش اندیشه مترقی، افشای ماهیت خلق و پرچم، رسوا نمودن رویونیوزم و در نهایت امپریالیزم روس و وضع نیمه فنودالی و نیمه مستعمره افغانستان از مقام ارجمند برخوردار گردید. از همین لحاظ بود که سازمان جوانان مترقی به نام شعله جاوید شهرت پیدا نمود.

جنبشی که پیرامون اهداف و افکار منتشره در جریده شعله جاوید بوجود آمد از لحاظ تعداد فعالان خود در راس سایر حرکات سیاسی قرار گرفت.

ویژه گی دیگر سازمان جوانان مترقی همچنان شعله جاوید در آن بود که اکثریت اعضای آن دارای تصمیم قاطع بوده و از غل و زنجیر و مرگ و زندان هراس نداشتند.. " 1

اول ماه می در افغانستان

استاد دکتور سید هاشم صاعد زیر عنوان سازمان جوانان مترقی و تعهدات طبقاتی

نوشته اند که :

سازمان جوانان مترقی و تعهدات طبقاتی

" سازمان جوانان مترقی با وجودیکه خود را سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر میخواند ولی این مامول بیشتر جنبه تیوری داشت. سازمان نتوانست بنا بر مصروفیت هایی کار علنی ، از هم پاشی امور اداره سازمان ، کمبود وسایل مادی به نفوذ در بین طبقه کارگر پیروزی بدست آورد.

آنطوری که میدانیم پرولتاریا به مفهوم واقعی و علمی آن هنوز در افغانستان بوجود نیامده بود و دال براینست که اکثریت مطلق کارگران هنوز در بند روابط روستایی و زمینداری قرار داشتند. در واقع کارگران افغانستان را بیشتر دهقانان بی زمین ویا کم زمین و پیشه وران تازه در کساد افتاده تشکیل میدادند.

دهقانان وپیشه وران با این آرزو در کارخانه ها و فابریکه کار میکردند تا ضمن تامین معیشت خود ، از طریق پس انداز و یا کار دوگانه صنعتی و زمینداری ، دوباره به زندگی اولیه خود برگردند. اما این خواب و خیال بود ، زیرا آنها نمیتوانستند از مزد فروش نیروی کار خود آنقدر پول بدست آورند که زندگی اولیه خود را که توام با آزادی هایی بود ، دوباره بدست آورند. با وجود این هنوز کارگران افغانستان ضرورت داشتند در طی یک پروسه طولانی و مدت زمان های دراز ریشه های الفت به زندگی سابقه ، تعاملات روستایی و خواص دهقانی و پیشه وری خود را از دست بدهند. "

" سازمان جوانان مترقی با وجودیکه بالباس توده ها ، زبان توه ها ، رسوم و تعاملات توده ها، حتی دین ومذهب توده و از طریق تربیت کارگران مقیم روستا ها در بین مردم نفوذ نتوانستند و لیک بخاطر آرزوئیکه در دفاع از حقوق کارگران و تشویق آنان بسوی افکار انقلابی صادقانه در دل می پرورانید ، در تمام جنبش های کارگری در صف مقدم قرار داشت. ..

"برای اولین بار در سال 1968 " اول می " یعنی روز جهانی کارگر در افغانستان برگزار شد. این روز در واقع مبدا و سر آغاز جنبش کارگری افغانستان بود که با اشتراک جوانان

محصلان ، روشنفکران انقلابی در اکثر فابریکه ها و کارخانه های دولتی و موسسات شخصی توام با اوج تنفر علیه دولت و سرمایه داران و فنودالان افغانستان براه انداخته شد.

اعضای سازمان جوانان مترقی در اعتصابات زیرین که تماما در سال 1968 به وقوع پیوسته بود ، اشتراک نمود.

یک- اعتصاب کارگران نفت و گاز شبرغان و راه پیمایی آن

دو- اعتصاب کارگران حجاری ونجاری کابل

سه- اعتصاب کارگران فابریکه جنگلک

چهار- اعتصاب کارگران نساجی پلخمری

پنج- اعتصاب کارگران فابریکه گلپهار

شش- اعتصاب کارگران فابریکه پلچرخی کابل

هفت- اعتصاب کارگران سمنت غوری

هشت- اعتصاب کارگران فابریکه بوت آهو

نه- اعتصاب کارگران دستگاه برق کابل

ده- اعتصاب شرکتهای ترانسپورتهای

یازده- اعتصاب کارگران مطبعه کابل

دوازده- اعتصاب کارگران پخته سپین زر

سیزده- اعتصاب کارگران فابریکه پشمینه بافی کندهار

چهارده- اعتصاب کارگران شرکت پخته هرات

پانزده- اعتصاب کارگران دستگاه ساختمانی کوهسار

شانزده- اعتصاب کارگران نساجی بگرامی

هفده- اعتصاب کارگران شرکت هوایی آریانا

هجده-

اعتصاب بار دوم کارگران نفت و گاز در سال 1971

نزده-

اعتصاب بار دوم کارگران فابریکه جنگلک

جنبش کارگری افغانستان علی الا کثر از مسیر واحد مبارزاتی و پیگیری خود بسوی تفرقه و تلاشی و وحدت شکنی گرایش پیدا میکرد. علت عمده این عدم توازن و تفرقه جویی در طرز اندیشه ها و پخش تبلیغات شفوی و تحریری سازمانهای گوناگون صورت میگرفت. خلقی ها و پرچمی ها کارگران را در کار مبارزه اکنومیستی تشویق مینمودند و سعی میکردند که مبارزه کارگران به سرحد مبارزه سیاسی توسل نجوید.

برعکس سازمان جوانان مترقی بنا برعلاقه نیکه به طبقه کارگر و انقلاب بورژوا دموکراتیک نوین افغانستان داشت، تلاش می ورزید تا کارگران را از حالت غیر متحرک و مبارزه در چارچوب مطالبات اقتصادی به سوی رسالت مبارزه سیاسی آنها سوق دهد. از همین لحاظ بود که سر سپردگان سازمان جوانان مترقی دایم در صف مقدم مبارزه کارگری قرار میگرفتند و بخاطر همین مبارزات پیگیر و دلاورانه بود که اکثر اعضای سازمان جوانان مترقی به عرصه های مختلف راهی زندان می شدند.

اخوانی ها در جنبش کارگری سهم کمتر داشتند و آنها میخواستند مبارزه خود را در لابلای جنبش کارگری در زیر پوشش اسلام و مبارزه علیه کمونیزم توجیه نمایند. " 2

اینک توجه شمارا به خواندن چند گزارش از شعله جاوید دعوت نموده و شما را به 43 سال پیشتر از امروز با خود میبرم. نمونه ای از ادبیات روشنفکران طرفدار طبقه کارگر را در آن زمان ببینیم و بخوانیم.



مدیریه کارگرم
تجلیل روز اول می

روز چهارشنبه اول می (مصادف به یازده ثور) کارگران قهرمان فابریکه جنگلک برای بزرگداشت روز پر افتخار اول می دست به مظاهره زدند و در جریان مظاهره کارگران چند دستگاه صنعتی دیگر نیز با آنها پیوستند و بر نیرومندی آن افزودند.

روشنفکران پیشرو و محصلین آگاه پوهنتون کابل نیز برای هماهنگی با کارگران با بر افراشتن شعار های ضد ارتجاع ، ضد استبداد ، ضد امپریالیزم و مدافعین استعمار نوین از ساحه پوهنتون خارج گردیده و با کارگران هماهنگ و همگام شدند.

محصلان پوهنتون در شبی که طلوعه صبح فردای آن جهان سود و سرمایه را به لوزه می آورد، بدور هم گرد آمده و قرار گذاشته بودند که به مثابه روشنفکران نقش ارزنده خویش را در تظاهرات کارگران بجا آرند.

مظاهره با وجود توطئه گری ها و اخلاص هایی که از جانب وابستگان و عمال ارتجاع و پیچ مهره های رنگارنگ دستگاه حاکم صورت میگرفت با شور و هیجان آتشین بسوی شهر حرکت کرد و با توده ها در آمیخت. در میان توده ها کارگران به افشای بیداد گری های طبقه حاکمه و تحلیل ماهیت ارتجاعی قوانینی که بسود بهره کشان و ستمگران و برای تحکیم پایه های قدرت آنان وضع می گردد و بر خلقهای ستمکش تحمیل میشود ، پرداختند و پندار عوامفریبانه گروهی را که این قوانین جابرانه را محصول مبارزات خلقها می دانند و از پذیرش رهبری طبقه کارگر در جنبشهای رهاییبخش ملی سر باز میزنند ، به شدت محکوم ساختند.

آنان به مردم هوشدار دادند که دشمنان واقعی و دوستان راستین خویش را بشناسند و با تکیه بر نیروی بازوان عصر آفرین خود تحکیم بنیان را واژگون سازند.

این تظاهرات که تا شامگاهان دوام داشت بر اذهان توده ها تاثیر بس عظیم و پیکار انگیز برجا گذاشت و بر اتحاد و وحدت عمل رنجبران و روشنفکران پیشرو افزود.

درد گرم و آتشین بر رنجبران و روشنفکران مترقی.

(شعله جاوید -)

عکس های از شعله جاوید و این گزارش را در پایان این مقاله نگاه نمایید.



چنین است اکنون فابریکه جنگلک . نه از کارگر در اینجا خبریست و نه از تولید و نه از ماشین ها.

این کارخانه و سایر کارخانجات را در جنگهای تنظیمی کابل چور و چپاول کرده و به گلوله و خمپاره بستند. ماشین آلات را اکثراً به پاکستان بردند و به قیمت آهن پاره بفروش رسانیدند. نه تنظیم ها ، نه طالبان و نه دولت حامد کرزی هیچ یکی شان حتی یک خشت و یا سنگ برای بازسازی فابریکه جنگلک نگذاشتند و هزاران خانواده کارگری در بدترین حالت گرفتار شده و تعدادی از یک نسل کارگران کار آزموده وفنی و با تجربه کشته شدند، آواره شدند و در کوچه ها و پس کوچه به بدترین شکل مشغول پیدا نمودن یک لقمه نان گردیدند و کودکان شان در بدترین شرایط زندگی بسر میبرند.

فابریکه جنگلگ نشانه ای از نخستین مظاهره کارگری اول ماه می سال 1968 میلادی یا سال 1347 خورشیدی را در تاریخ طبقه کارگر افغانستان بخاطر می آورد.





اکنون بجای کارگران این دو جوان معتاد به مواد مخدر یا هیروئین با صد ها معتادین دیگر در ساحه مخروبه فابریکه جنگلک شب را به روز میگذرانند. از این جوانها فیلمی تهیه کرده ام که امیدوارم بتوانم آماده نشر سازم.





در پایان گوشه ای از فابریکه نساجی امید را میبینیم.



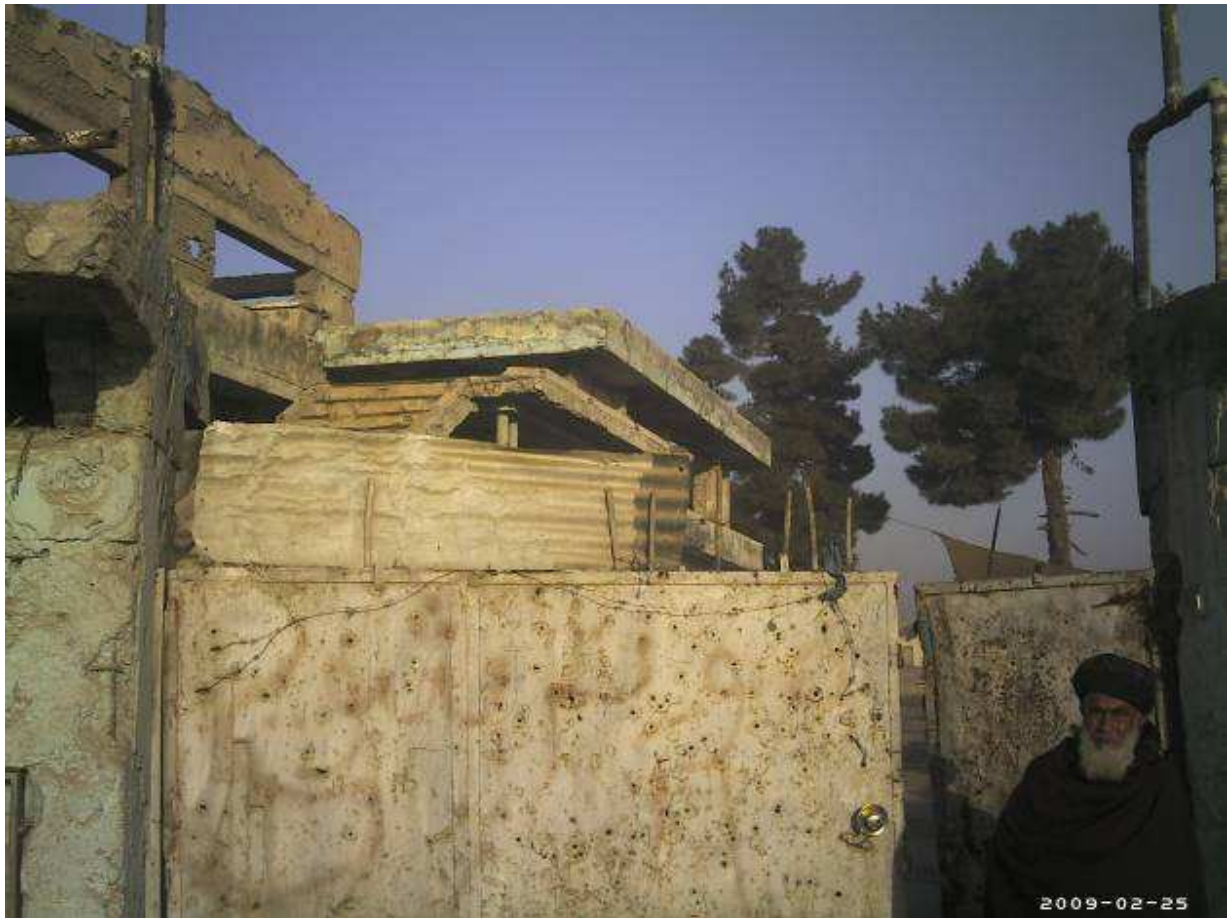
نساجی امید را سید مرتضی آغا در نزدیکی باغ بابر شاه ساخته بود.

هزار ها کارگر این فابریکه نیز با خانواده هایشان در جریان جنگهای تنظیم ها در بدر و بی خانمان و بیکار شدند و در دوران که از جیب سازهایی دزدان بانک ها و موسسات رنگارنگ همه میدانیم، از باز سازی در فابریکه ها خبری نیست.

پس وضعیت طبقه کارگر صنعتی چگونه خواهد بود؟



استاد دكتور سيد هاشم صاعد از سازمان جوانان و جریده شعله جاويد نام برده اند.
من ميکوشم تا مقاله هايی از شعله جاويد را در برابر چشمان و داوری شما
بگذارم. در پايان توجه نماييد.



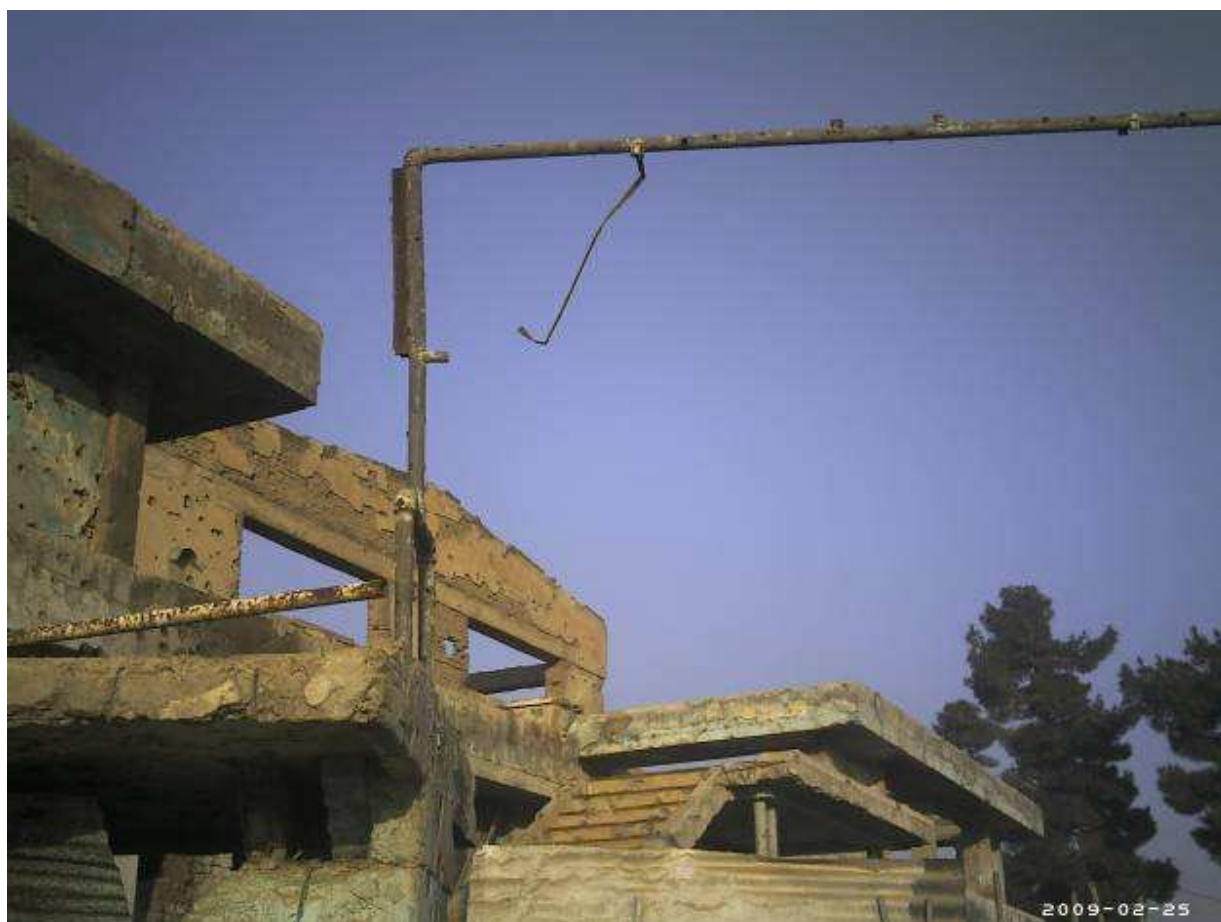
یک کارگر پیر در مقابل فابریکه بوت آهو

در و دیوار فابریکه بوت آهوکه در جنگ تنظیم ها به درجه رفیع مخروبه نایل گردید و ماشین آلات اش همه بسوی پاکستان قاچاق شده و مانند استخوانهای مرده ها، ریشه درختان پسته و آهن پاره ها و سیخ ها و سیم ها بفروش رسید اما رهبران تنظیم ها در بدل تلاشهای شان در قدرت و دولت حامد کرزی سهیم شده و اینک برای شرکت با طالبان و حزب اسلامی تلاش دارند.

از کارگر و کار و کارخانه سخن گفتن گویا کفر گفتن است !

کارگران همین کارخانه بوت آهو بارها بخاطر تحقق خواسته های سیاسی و اقتصادی شان دست به مظاهرات زده

بودند.

















موتور زره‌دار هامر امریکایی از مقابل کارخانه تخریب شده می‌گذرد و کارگران و زحمتکشان دوره گرد مشغول خوردن نان در سماوار کنار کارخانه بوت آهو دیده میشوند.









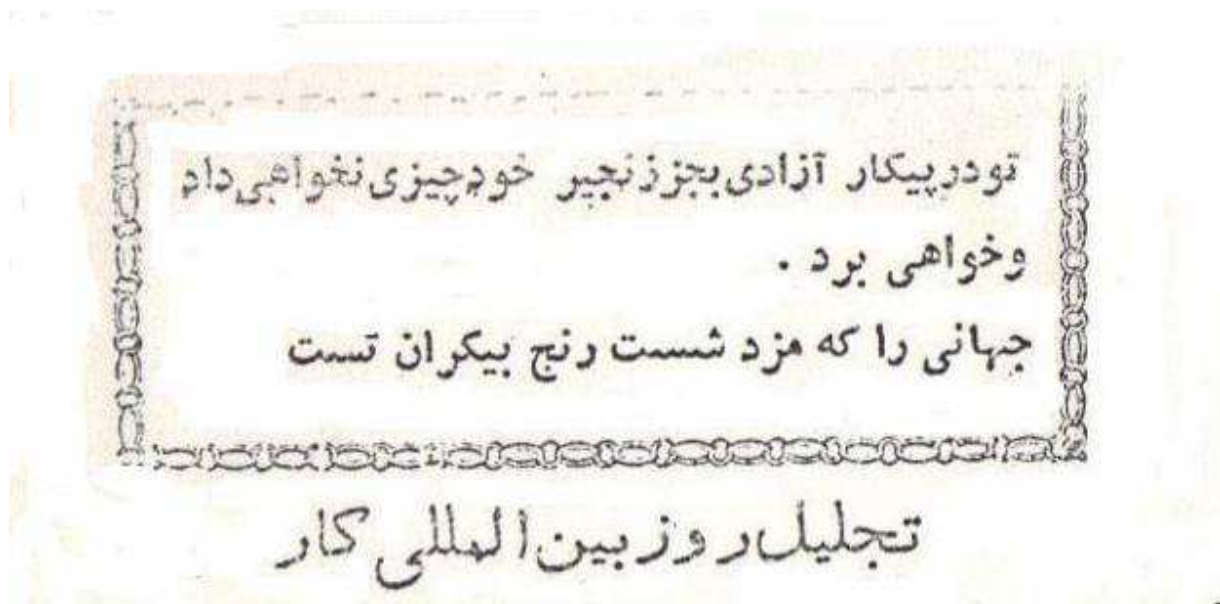












از آنجاکه کار انسانی در جوار شرایط وسایل کار در جریان نعمات مادی رول خیلی بارز داشته و از آنجا که کار ، فعالیت اجتماعی انسانهاست از سالیان دراز بدین سو در محافل روشنفکری و حلقه های کارگری روز اول ماه می را بنام روز بین المللی کار برگزار میسازند.

در سیر تاریخ رومی های باستان در اول ماه می جشن بهاره را تجلیل میکردند. در انگلستان رابرت اوون در سال 1833 اول ماه می را سر آغاز هزار ساله تعیین کرد. در سال 1882

- 1883 و 1884 این روز در ایالات متحده امریکا و کانا دا با شور زاید الوصفی از جانب گروه پیشرو ها بدرقه گردید. در سال 1889 اولین کنگره بین المللی دوم و رهبر کبیر آن ، منعقدہ پاریس این روز را بنام روز بین المللی کار شناخت. از آن زمان تا حال در حلقه های کارگری و روشنفکری اکثر از ممالک سرمایه داری هم این روز برگزار میگردد.

- در افغانستان این روز برای اولین بار درست در فرصتی استقبال شد که حلقه های روشنفکر پیشرو خواستند ضمن مظاهره ، عمال و خدام دستگاه جاسوسی " سیا " سی - آی - ای را در کشور ما افشا نموده و در باره قحطی و بیکاری روز افزون

شعار بدهند. گرچه در آن زمان خوشخدمتان و کاسه ليسان ارتجاع در راه این مامول موانعی ایجاد کردند اما روشنفکرانیکه سرنوشت شان با رنجبران ، نیمه رنجبران و دهقانان کشور ارتباط مستقیم و ناگسستنی دارد ، نقاب را از چهره این خادمان ارتجاع بر انداختند.

- از آنجا که کار فعالیت لازمی انسانها بوده و در این جریان مواد طبیعی را برای رفع احتیاجات خویش بشکل مطلوب در می آورند و از آنجا که کار یک ضرورت اجتماعی بوده و یک شرط غیر قابل انکار انسانهاست ، بدون کار حیات انسانی به ذات خود نا ممکن خواهد بود.
- بدنیت دانسته شویم که در تحت نام شرایط کار چیز های داخل میگردد که کار انسان بالای آن صورت میگیرد. مثلا چوب جنگل و یا معدن در عمق زمین.
- وسایل کار تمام اشیایی هستند که ذریعه آنها انسانها بالای شرایط کار میکنند. در جمله وسایل کار به شکل پیشرفته از همه اولتر ابزار تولید نام برده میشود . در جمله ابزار تولید تمام اشیایی که انسان در وقت کار از آن استفاده میکند ، قید میگردد. یعنی از اولین سنگ نا تراش تا ماشین های کوه پیکر و خود کار امروز.
- از آنجاکه کار محصول نیروی عضلاتی ، دماغی جسمی و عصبی کارگران است و از آنجا که کار نه تنها (در جوار منابع طبیعی) مایه ثروت است ، بلکه در تغییر و تحول ارتقایی انسان هم رول خاص و برجسته دارد به نیروی ایجاد گر رنجبران - نیمه رنجبران و دهقانانی توجه کنیم که جهان کار را رنگین ساخته و ساحه طبیعت را تزیین مینمایند.
- کارگران و دهقانان ملک ما در اثر عرق ریزی و کار خستگی نا پذیر خویش وادی ها ، جلگه ها ، باغ ها ، ابنیه ، شاهراه ها ، پل ها ، بند ها و غیره و غیره را سرسبز و آباد ساخته و خود شان با کمال رنج و مشقت روز و شب را سپری میسازند. این دو طبقه که بدون مبالغه همه چیز را در اثر کار خلاق خویش ایجاد می کنند دور از همه چیز زندگی نموده و فاقد همه چیزند.
- طوریکه دیده میشود کارگران معادن ذغال سنگ در دره صوف ، آس پشته و کرکر با شرایط غیر صحی ، قرون وسطایی مشغول کار بوده و تا حال چندین بار در راه تامین وسایل راحت دیگران بصورت کتلوی جانهای گرامی را از دست داده اند.
- کارگران کانهای لاجورد و یا قوت ولعل و دیگر سنگ های قیمتی همه به حال گرسنگی بسر برده و نیروی کارشان مورد دستبرد دیگران قرار گرفته و بطور قاچاق بخارج سپرده می شود.

کارگران پروژه های شاهراه های بزرگ برای تسریع حمل و نقل مواد خام نیم بند امپریالیستها و مدافعین استعمار نوین چه زحماتی را متقبل شده و بدون اینکه ملتفت خطرات محتمله باشند ، جانهای گرامی خود را فدای منفعت دیگران کردند. این کارگران فعلا از بیکاری و بی تکلیفی خویش در عذابند. کارگران فابریکه های گلپهار ، پلخمری ، فابریکه شکر بغلان ، فابریکه صنعتی قندوز، فابریکه خانه سازی ، کارخانه های منطقه صنعتی کابل ، میدان هوایی کابل ، .. پولی تخنیک و غیره و غیره در زیر کار طاقت فرسا و شرایط نامساعد رنج زیاد را متحمل شده و خساره های بیش از حد را متقبل شده اند. مزد این کارگران خیلی قلیل است که نمی توانند بجز از بخور و نمیر دیگر حواجی ضروری زندگی شانرا مرفوع سازند. اگر در فابریکه پلخمری وضع کارگران را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهیم علاوه از تحقیر و اهانت بیشمار کارگران شرایط ناگوار کار هم موجب خستگی - پیری و مرگ زود رس کارگران میگردد.

در قطار کارگران اطفال خرد سال، زنان رنجور و مردان کهن سال هم وجود دارند که همه با نیروی کار خویش به ثروت سرمایه داران تزئید میبخشند. اینها به دو گروه در دو نوبت دوازده ساعته محکوم به کارند و هر دو گروه از شعاع آفتاب جهانتاب محروم اند.

بنام بیمه صحتی وجود دارد که بیشتر از آن مامورین عالیرتبه استفاده میکنند. بیمه اجتماعی که اصلا وجود ندارد. امراض مختلف در بین کارگران شایع است.

مزدیکه به یک کارگر پرداخته میشود در حقیقت قسمتی از نیروی کار مصرف شده شانرا جیبیره میکند و قسمت دیگر آن به نفع صاحبان صاحبان فابریکه به یغما برده میشود.

کارگران ما باید بدین امر ملتفت گردند که با فروش نیروی کار خویش نمیتوانند قیمت حقیقی متاع خویش را بدست آرند. یعنی در بدل کاری که انجام میدهند مزد واقعی و حقیقی آنها به کف نمی آورند. روشن است که در شیوه تولید سرمایه داری نیروی کار هم ارزشی دارد که مانند سایر کالاها به فروش میرسد. ارزش نیروی کار که به پول تعویض میگردد قیمت آنها مجسم ساخته و به شکل مزد جلوه میکند. اکثرا " ثروت بدست آمده صاحبان فابریکه های عریض و طویل از سبب نه پرداختن مزد اصلی کارگران بوده و هر قدر افزار تولید (ماشین آلات) تکامل میکنند به همان اندازه نیروی کار کارگران (مزد) مورد تاخت و تاز سرمایه دار قرار میگیرد. نباید فراموش کرد که اساس طرز تولید سرمایه داری بر دزدی نیروی کار کارگران استوار است. میدانیم که وسایل کار هر قدر متکامل و مغلق شوند، بدون نیروی کار چیزی را به میان آورده نمیتوانند. برای اینکه جریان تولید نعمات مادی سر براه گردد باید نیروی کار با وسایل کار یکجا شود.

از اینجا معلوم می‌گردد که سرمایه دار در عصر کنونی با ماشین آلات مغلق بصورت خیلی ماهرانه از نیروی کار ایجاد گر کارگران بر ثروت و قدرت خود می افزاید

بهر حال رنجبران - نیمه رنجبران و دهقانان در حال حاضر در تحت شرایط ناگوار و نا مساعدی زندگی میکنند که بجز از فاقگی، برهنگی، دربدری، پیری قبل از وقت، مرگ زود رس حاصل دیگر بدست نمی آرند و در مقابل به یمن همت خویش وسایل راحت زمینی و طرب ستمکاران را مهیا میسازند.

از این فرصت نیک استفاده کرده به تقریب روز بین المللی کار کارگران مبارز را به نکات مهم حیاتی متوجه میسازم-

مصالح کار ایجاب میکند که بین رنجبران کشور های مختلف در ممالک مختلف دوستی، اعتماد و محکمترین اتحاد وجود داشته باشد. چه هواداران ملاکین و سرمایه داران سعی دارند کارگران را از هم جدا کنند و نفاق و خصومت ملی را تشدید سازند. تا کارگران را ناتوان ساخته و قدرت سرمایه را تحکیم نمایند.

از آنجا که سرمایه نیروی بین المللی است، برای غلبه بر آن اتحاد بین المللی کارگران و برادری بین المللی آنها لازم است.

رنجبران نباید فراموش نمایند که سرمایه داری جهان را به مشت ناچیزی امپریالیستهای ملل ستمگر و عظمت طلب و کامل الحقوق و ممتاز و اکثریت عظیمی ملل ستمکش و وابسته و نیمه وابسته و دارای حقوق غیر مساوی تقسیم کرده است.

باید بخاطر داشته باشیم که در حال حاضر صد ها هزار کارگر، دهقان و نیمه رنجبران در بدر، گرسنه و برهنه در ملای عام ته و بالا میدوند.

آزادی برای کارگران و دهقانان حکم توتیا را دارد. برای بدست آوردن آزادی و حفظ آزادی حقیقی کارگران - نیمه رنجبران و دهقانان به نکات زیر توجه نمایند.

ای کارگرانی که در این فرصت در زندان کار توان فرسا و زندگی نیمه گرسنه و فقر شدید محکومید، علاج آینده بیم ناک اولاد خود را نمایید. مبارزه پیگیر و مداوم کنید. در راه مبارزه جز از زنجیر های اسارت چیز دیگری را از دست نخواهید داد و در بدل آن جهانی را که خود ساخته اید، بدست خواهید آورد.

باید ملتفت شد که این تبدیل کاربنده وار به کار برای خود که بزرگترین تعویض کاربرای بشر است بدون تصادم و اعمال جبر نسبت به مفت خواران سخت ریشه و آستان بوسان

شان صورت گرفته نمیتواند. کارگران و دهقانان تهیدست و نیمه رنجبران که در اثر کار مشقت بارسالیان دراز را برای استثمار کارگران و تحمل تحقیرها و حتاکی های بیشمار از طرف آنان و احتیاج شدید آبدیده شده اید، میدانید که برای شکستن مقاومت استثمارگران تدبیر لازم است. کارگران توانا این موضوع را فراموش نکنید که شما به نیروی دانش نیاز مندی بیش از حد دارید چه با کمک دانش خواهید توانست سرمایه دارانی (را) که نفع شان با غارتگر:

و با حکمرانی غارتگری است دیگر گون سازید. باید بخاطر بسپارید که هدف توده های کارگر و دهقانان و نیمه رنجبر از دگر گونی عمیق سیاسی، تامین آزادی، نان، مسکن و زمین است. افتخار جاویدان بر کسانیکه اکثر ملیونها زحمتکش را بدنبال خود میبرند و با نهایت اشتیاق در نخستین صفوف درفش کار گام بر میدارند. پایان

شعله جاوید سال 1347

به اصل سند چاپی در طبع حروفی نیز در پایان نگاه نمایید.

در یک گزارش دیگر در شعله جاوید میخوانیم که :

سرنوشت یک پیر مرد کارگر

"بابه علی محمد پیر مردی که ریش خود را در عقب کارگاه نساجی پلخمری سفید کرده و اینک دیگر چشمانش نیز قدرت بینش خود را از دست داده است از کار بر کنار گردید. بابه علی محمد به خبر نگار ما گفت :

که در آغاز تاسیس نساجی پلخمری با ما قرار داد کرده بودند که بعد از پانزده سال کار ، در شرکت خانه های که به ایشان داده شده متعلق بخود شان خواهد بود ولی اینک بعد از بیست و دو سال نه تنها مرا از کار بر کنار کرده اند بلکه از خانه نیز بیرونم افکنده اند. در حالیکه من بجز یک دختر خورده سال هیچ کس دیگر ندارم و آن دخترک هم نمیتواند نان آور من باشد و در این روز گار از من دستگیری کند.

بابه علی محمد اشکریز به خبر نگار ما گفت :

اینست سر نوشت من بعد از بیست و دو سال کار، یقین دارم که سرنوشت سایر کارگران هم چندان بهتر از من نیست و این ظلم کارفرمایان دامن ایشان را نیز گرفتگی است. "

شعله جاوید - سال 1347 یا 43 سال پیش از امروز



نساجی پلخمری هم اکنون چنین به نظر میرسد.









کارگر پیر در کنار ماشین بافندگی در کارخانه نساجی پلخمری یا پل خماری.
این یکی دیگر از صد ها علی محمد هایبست که در سال 2011 زندگی مینماید
و کارخانه هم سقوط داده شده است و هیچ نوع تولید ندارد.





نامه یک رنجبر

کارکنان جریده شعله جاوید !

درد گرم و آتشین خود را به نمایندگی تمام رنجبران کشور به همه تان تقدیم میدارم و مساعی شما را در نشر این جریده ارزنده تقدیر مینمایم. موفقیت شایان تان آرزوی قلبی ما رنجبران میباشد.

پیروزی و شاد کامی نصیب ما و شما خواهد بود زیرا زندگی ساخته دست ما رنجبران و شما روشنفکران مترقی میباشد. اگر امروز ارتجاع نیرومند است و خلقها را بزنجیر می کشد با لآخره سیل خروشان خشم سازندگان تاریخ نابودش خواهد ساخت.

من هم یقین کامل دارم که آزادی حقیقی طبقات رنجبر فقط بدست خود رنجبران می تواند انجام گیرد.

پیروز باشید- رفیق هم‌رزم شما م- ا کارگر

تایپ شده در اول ماه می 2011 از روی اصل مقاله در جریده

شعله جاوید سال 1347 - 1968

سر نوشت يك پير مرد كارگر
پا به علي معبد پير مردی كه مرش
خود را در عقب كارگاه نساجی پل
طبری سفید کرده و اینك كه در سن
چشمه اش نیز قدرت بینش خود را از
دست داده است از كار بر كنار گردیده
پا به علي معبد به خیر زكار ها گفت:
كه دو اعزاز تاسیس نساجی بلخوری
با مادر ار داد کرده بودند كه بعد از
پانزده سال كار در شركت خانه های
كه به ایشان داده شده متعلق بخود
شان خوا هد بود ولی اینك بعد از ۲۲
سال نه تنها مر از كار بر كنار گردانده
بلكه از خانه نیز بیرونم افكندم انك
در حالیکه من به جز يك دختر خود
سال هیچكس دیگر ندارم و انداخته
هم نمی تواند نان آور من باشم و بدین
روزگار از من دستگیری كند .
پا به علي معبد اشكریز به خیر زكار
ها گفت: اینست سر نوشت من بعد
از بیست و دو سال كار و بیخیم دارم كه
سر نوشت سایر كارگران هم چندان
بسیتر از من نیست و این قلم كار هر ما بیان
دهن ایشان را نیز گرفته است .

نامه یك رنجبر

کار گران، جریده شنبه، پورید ۱
در و گرم و آتشین شود را به
نمایندگی تمام رنجبران کشور به
همه آن تقدیم می‌نمایم و عسا عسی
شما را در نفس این جریده آرزنده
اندرین می‌نمایم. موافقت شما با آن
آن آرزوی قلبی ما رنجبرها را عسی
باشد.

پیروزی و شادکامی نصیب ما و
شما خواهد بود زیرا زندگی ساخته
دست ما رنجبرانوشما و دشمنان
حترقی میباشد اگر امروز ارتجاع
نیرو مند است و شما را رنجبر
می‌کنند بالاخره عین غرور شما آن
ششم سائله گمان تاریخ تا بسو دش
خواهد ساخت.

من هم یقین کامل دارم که آزادی
حقیقی طبقات رنجبر فقط بدست
خود رنجبران می‌تواند انجام گیرد.
پیروز باشید - رفیق همروزم
شما هم ۱ کارگر

تقدیر بیکار آزادی بجز رنجیر خود چیزی نخواهی داد

و خواهی برد .

جهانی را که مزد شست رنج بیکران توست .

تجلیل روز بین المللی کار

عرق ریزی و کار خستگی ناپذیر خویش
وادی همه جنگه ها، باغ عاه اینیه
شاهراه ها، بشما، بنده ما و شیر مویه
واسوسیز و آباد ساخته و خود شان
با کمال رنج و مشقت روز رنج را
سپری می سازند. این دو طبقه که
بعون میالغه همه چیز را در دایره کار
خلاق خویش ایجاد میکنند و روز
چیز زندگی نبرده و فدا شده بیستند.
مظوریکه دیده میشود کارگران سخت
ذغال سنگ در دزد صوف، آتش پشته
و کورگر با شرایط غیر محسوس و قرون
وسطانی مشغول کار بوده و تا حال
چندین بار در راه تا میسن و نسیلس

نامه یک رنجیر

کار کنان جریده شمه چویده ا
در و دگرم و آتشین خود را به
نماینده کی تمام رنجبران کشور به
هفته تان تقدیم می نامم و مناسبت
شما را در نشر این جریده آرزو
تقدیر می نمایم. مؤلفیت شما آن
تان آرزوی قلبی ما رنجبران می
باشد.

بیروزی و شادکامی نصیب ما و
شما خواهد بود زیرا زندگی ساخته
دست ما رنجبران و شمشاد روشتنگران
مترقی میباشد اگر امروز از تاج
زیر دست است و خنقا را برنجیر
می کنند بالاخره منبیل خود شان
خشم سازند گمان تاریخ تا بسو دش
خواهد ساخت .

من هم یقین کامل دارم که آزادی
حقیقی طبقات رنجیر فقط بوسیله
خود رنجبران می تواند انجام گیرد.
بیروزی باشید - ولیسق هم امروز
شما با کارگر

عاقب را از چهره این شادمان ارتجاع
شرایط و وسایل کار در جریان نعلات بر انداختند .
از آنجا که کار فعالیت لازمی انسانها
بوده و درین جریان مواد طبیعی را
برای رفع احتیاجات خویش بشکل
مطلوب درمی آورند و از آنجا که کار
بک ضرورت اجتماعی بوده و یک شرط
غیر قابل انکار حیات انسانهاست
بدین کار حیات انسانی به ذات خود
اسمکن خواهد بود .
بد نیست دانسته شویم که در
تحت نام شرایط کار چیز های داخل
میکرد که کار انسان بالای آن صورت
میکرد. مثلا بوب جنگل و یا معدن در
عمیق زمین .

از آنجا که کار انسانی در جوار
شرایط و وسایل کار در جریان نعلات بر انداختند .
مادی رول خیلی بارز داشته و از آنجا
که کار فعالیت اجتماعی انسانهاست
از سالیان دراز بدین سو در محافل
روشنفکری و حلقه های کارگری روز
اول ماه می رابه نام روز بین المللی
کار برگزار میسازند.
در سیر تاریخ روز می های محسوس
باشستان در اول ماه می جشن بهاره
را تجلیل می نمودند. در انگلستان
و ایرت ارون در سال ۱۸۴۳ اول ماه
می را صر آغاز هزاره ساله تعیین کرد
در سالهای ۱۸۸۲ - ۱۸۸۳ و ۱۸۸۴
این روز در ایالات متحده امریکا و
کانادا با شعور زاید الوصفی از جانب
گروه پیشرو و با درقه گردید. در سال
۱۸۸۹ اولین کانگرس بین المللی دوم
و در همین کبیر آن، متعده پاریس این
روز رابه نام روز بین المللی کار
شناخت. از آن زمان تا حال در حلقه
های کارگری و روشنفکری اکثر از
در وقت کار از آن استفاده می کنند
ممالک سرمایه داریم این روز را
میکرد .

ناتراش تا ماشین های گوه بیکس و
خود کار امروز .
از آنجا که کار محصول نیروی عضلات
دماغی، جنسی و عصبی گوار کردن
است و از تاج که کار نه تنها در جوار
منابع طبیعی مایه تربیت است، بلکه
در تغییر و تحول ارتقایی انسان هم
رول خاص و بر جسته دارد لذا لازم
است به نیروی ایجادگر رنجبران
لیسه رنجبران و دهقانانی توجه کنیم
که جهان کار را در تکیه ساخته رسامه
طبیعت را، تزیین می نمایند .
کارگران و دهقانان ملک ما در این

از آنجا که کار انسانی در جوار
شرایط و وسایل کار در جریان نعلات بر انداختند .
مادی رول خیلی بارز داشته و از آنجا
که کار فعالیت اجتماعی انسانهاست
از سالیان دراز بدین سو در محافل
روشنفکری و حلقه های کارگری روز
اول ماه می رابه نام روز بین المللی
کار برگزار میسازند.
در سیر تاریخ روز می های محسوس
باشستان در اول ماه می جشن بهاره
را تجلیل می نمودند. در انگلستان
و ایرت ارون در سال ۱۸۴۳ اول ماه
می را صر آغاز هزاره ساله تعیین کرد
در سالهای ۱۸۸۲ - ۱۸۸۳ و ۱۸۸۴
این روز در ایالات متحده امریکا و
کانادا با شعور زاید الوصفی از جانب
گروه پیشرو و با درقه گردید. در سال
۱۸۸۹ اولین کانگرس بین المللی دوم
و در همین کبیر آن، متعده پاریس این
روز رابه نام روز بین المللی کار
شناخت. از آن زمان تا حال در حلقه
های کارگری و روشنفکری اکثر از
در وقت کار از آن استفاده می کنند
ممالک سرمایه داریم این روز را
میکرد .

در افغانستان این روز برای اولین
بار دوست در فرصتی استقبال نید
که حلقه های روشنفکر پیشرو
خواستند ضمن مظاهره، عقال و
خداام و سنگاه جاسوسی و سیاه سی
آی- ای را در کشور ما افشا نوده
و در باره فصلی و بیکاری روز افزون
شعار به هند. گسریه در آتش بان
خوش خدمتان و گاسه لیساز ارتجاع در
راه این مملویمونس ایجاد کردند اما
روشنفکرانیکه سر شوست شان با
رنجبران، تینه رنجبران و دهقانان
کسور ارتباط مستقیم و نا گسختی دارد

تجلیل روز بین المللی...

واحت دیگران بصورت گنوی جانهای گرامی را از دست داده اند. کارگران گانهای لاچورد و بانوت و لمل و دیگر مسکنهای نیستی همه به سال گرسنگی پسر برده و نیروی کار شان مسود دستبرد دیگران قرار گرفته و بطور فاجاع به خارج ارساذه میشود. کارگران پروژه های شا حرامهای بزوکت برای تسریع حمل و نقل مواد مطلوب (خام-تیمبند) امیر یالیستپار مدافعین استعمار ترین چه زحمان را متقبل شده و بدون اینکه ملتفت خطرات محتمله باشند جانهای گرامی خود را فدای منفعت دیگران کردند. این کارگران فعلا از بیکاری و بی تکلیفی خویش آدر عذابند. کارگران مابریکه های گلیبار، پل شری، فابریکه شکر، بفلان، فابریکه صنعتی قند و فابریکه خانه سازی، کار خانه های منطقه صنعتی کابل، میدان هوایی کابل و گندز، پولی تختیک، و غیره و غیره در زیر کار طاقت فرسا و شرایط نامساعد و ناز زیاد و متحمل شده و خساره های بیش از حد را متقبل شده اند. مزد این کارگران خیلی قلیل است که نمیتواند بجز از بخور و نسیم دیگر حوایح ضروری زندگی شانرا مرتفع سازند. اگر در فابریکه پلخوری وضع کارگران را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهیم علاوه از تحقیر و اهانت بیشمار کارفرمایان شرایط ناگوار کار هم موجب خستگی، بیماری و مرگ

در حقیقت قسمتی از نیروی کار مصرف شده شانرا جیره می کشد و قسمت دیگر آن به نفع صاحبان فابریکه به پسا برده میشود. کارگران ماباید بدین امر مشتفت گردند که با فروش نیروی کار خویش نمیتوانند قیمت حقیقی متاع خویش را بدست آرند. یعنی در بدل کاریکه انجام میدهند مزد واقعی و حقیقی را به کف نمی آورند. روشن است که در شیوه تولید سرمایه داری نیروی کار هم ارزشی دارد که مانند سایر کالاها به فروش میرسد. ارزش نیروی کار که به پوله تمویض نمیکرد قیمت آنرا مجسم ساخته و بشکل مزد جلوه میکند. اکثرا ثروت بدست آمده صاحبان فابریکه های غریب و طولانی از سبب نه پرداختن مزد اصلی کارگران بوده و هن قدر افزایش تولید (ماشین آلات) تکامل میکنند به همان اندازه نیروی کار کارگران (مزد) مورد ناختم و ناز سرمایه دار قرار میگیرد. نباید فراموش کرد که اساس طرز تولید سرمایه داری بر دزدی نیروهای کار کارگران استوار است. میدانیم که وسایل کار هر قدر تکامل و مطلق شوند بدون نیروی کاریزی وابنیان آروم نمیتوانند. برای اینکه جریان تولید نصات مادی سرا برآه گردد باید نیروی کار با وسایل کار یکجا شود.

ازین فرصت نیک استفاده کرده بتقریب روز بین المللی کار کارگران مبارز را به نکات مهم حیاتی متوجه میسازم -

مصالح کار ایجاب میکند که بین رنجبران کشور های مختلف دو مملکت مختلف دوستی، اعتماد و محکمترین اتحاد وجود داشته باشد چه اوداران

ملکین و سرمایه داران سنی دارند کارگران را از هم جدا کنند و تفریق و خصومت ملی را تشدید سازند تا کارگران را ناتوان ساخته و قدرت سرمایه را تحکیم نمایند.

از آنجا که سرمایه نیروی بین المللی است. برای غلبه بران اتحاد بین المللی کارگران و برادری بین المللی آنها لازم است.

رنجبران نباید فراموش نمایند که سرمایه داری جهان را به مشت ناچیزی امپریالیست های مطلق مستحکم و عظمت طلب و کامل حقوق و ممتاز و اکثریت عظیمی ممل مستحکم و وابسته و نیمه وابسته و دارای حقوق غیر مساوی تقسیم کرده است.

باید به خاطر داشته باشیم که در حال حاضر صدها هزار کارگر، دهقان و نیمه رنجبران در بدو گرسنه و برهنه در ملاء عام نه و بالا میدوند آزادی برای کارگران و دهقانان حکم توتیا را دارد.

ازینجا معلوم میگردد که سرمایه دار در عصر کنونی با ماشین آلات مطلق بصورت خیلی ماهرانه از نیروی کار ایجاب گر کارگران بر ثروت و قدرت خود می افزاید.

بهر حال رنجبران نیمه رنجبران و دهقانان در حال حاضر در تحت شرایط ناگوار و نامساعد زندگی میکنند که جز از فاقگی، برهنگی، دودبندی بیبری قبل از وقت سرگ زود رس حاصل دیگر بدست نمی آرند و در مقابل به رس هنت خویش وسایل راحت و عیش و طرب مبتسکاران و از میا می سازند.

بقیه در صفحه ۳۳

در عصر کارگران اطفال موردسال زنان رنجبر و مردان کهن سال هم وجود دارند که همه با نیروی کار خویش به ثروت سرمایه داران تزئین می بخشند. اینها بدو گروه در دو نوبت ۱۲ ساعته منگوم به کارند و هر دو گروه از شعاع آفتاب جهانباب محروم اند. بنام نیمه صحنی وجود دارد که بیشتر از آن مأمورین عالیرتبه استفاده میکنند. نیمه اچشماسی که اسلا وجود ندارد. امرامن مختلف در بین کارگران شایع است. مزدیکه به کارگران پرداخته میشود

مدریانه کارگزار

تجلیل روز اول می

روز چهارشنبه اول می (اصناف با ۱۱۱ روز) کارگران و پرمان فابریکه سنگت برای بزرگداشت روز و بر اصحاب اول می دست به مظاهرة زدند و در پیرایه مظاهرة کارگران چند دستگاه صنعتی دیگر نیز با آمریکا پیوسته و بر نیرومندی آن افزودند. در سنگران پیچرو و محسنین آکامه پوهنستون کسابل نیز برای مساهذگی با کارگران با فرانسیس شعارهای ضد ارتجاع، ضد استبداد، ضد امپریالیزم و مساویین امضا و نویسنده از مساعده پوهنستون خارج گردیده و با کارگران مساهذگ و همگام شدند. محسنان پوهنستون در شبی که طلیه صبح فردای آن جهان سود و سرمایه راه لرزه می آورد، بدور هم گرد آمده و قرار گذاشته بودند که به منافیه روز سنگران نقش آفرینند. خیریش را در تظاهرات کارگران بجا آرند.

مظاهرة با وجود توطئه گری مسا و اغلال حایی که از جانب وا بسنگان و عمال ارتجاع و بیج و مهوره های رنگارنگ دستنگاه جاگه صورت می گرفت با شور و هیجان آنستین بسوق شهر حرکت کرد و با توده ها در آمیخت. در میان توده ها کارگران و روشنگران به افشای بیدادگری های طبعة حاکمه و تحقیر ماحبت اولیائی توانست که به سود بهره کشان و سنگران و برای تحکیم پایه های قدرت آنان وضع می گردد و بر خلق های استغنیس تحمیل میشود. پرداخته و بنامار عوام فریبانه تر و هر را که این قوانین جا برانه و انحصار مبارزات خلعها می دانند و از پدبرش زهدی طبیعه کارگر در جیش های و هائین بخش ملی سر باز می زنند به شدت محکوم ساخته شد.

انان به مردم عروشداز دادند که دشمنان واقعی و دوستان راستین خویش را بشناسند و با تکیه بر نیروی بازوان عس افترین خود و تحکیم

بشپان و از کون سا زند. این تظاهرات که ناشی از گمان عدوان داشت بر اذهان توده ها تا لیر بسی عظیم و بیکار انگیز برجا گذاشت و بر اتحاد و وحدت عمل رنجبران و روشنگران پیشرو افزود.

درد گرم و آتشین بر رنجبران و روشنگران مترقی.

چینه خیز

بسی نسنگان را آن سا از باغ لوگردم یکتیاگرازش می دهم که در ولایات مذکوره آبادی و سنگان ارتجاع با توشل به ارتجاع و تهدید از بیسی و انتشار جریده شعلوزنی و بیستون گریه بدل می آید و در کابل نیز گرد می آید و ششای سه مسو جیات ادیست فرو شسته آن شعله جاوید را فراموش می آید.

شعله جاوید از اینگونه توشه های ناچوان بر پایه و نیز استانی و شندز های میان تهن کو چنگرین هراسی ندارد و بازاده نزلزل پایبیر دو راهی که آگاهانه برگزیده است گام خواهد برداشت.

روز یکشنبه هشت نور قده می از کارگران فابریکه سنگت دست به انصاف زده بودند. بر اساس گزارش شبر نگار مسا خواصت آبان از این معاش و کم شدن وقت کار بوده است.

یک پس جوان هزاره که گرفتار مرض حاد است و در بیمارستان بستری است و پیش از این در بیمارستان بیگنا وی. بی مسو مسا هشی و تقوی شد ایسی دست بخود کشی و به و پیکر بیجان او در دو دهست خواجه مسافر در میان دریا پالنه شده است.

نظا هرات بیگنر و مداوم

بیگار مداوم و خستگی تا به یسو طلاب مکاتب ندیک عالی میخایبکی کابل و صتیح علیه فرهنگ بیسه و تیره استسازان از جمله واز

مداوم و شورون در افشای کسا بن طبر انداز است. این حرکت با بیسی های بیگنر رنجبران از آن جهت روز افزونی درونی مردم این سده سایدگی میکند که از سالیان دور علیه طبیب و پندجهانک و گسترش مرعده استعماری دارم.

شعله جاوید این جیش های ضد ارتحک ملاکی و استعماری را سفر قدر نگریسته و به مبارزان آن درود رشا و باش میگوید.

سر نگار ما از ولایت پنج گزارش میدهد که روز سه شنبه ۱۰ نور گریه از بیستین نسنگان با عورت و سحر اسه گرد آمده و میخواستند دست به مظاهرة بزنند. اکثره این تدهم آبان روش بیدادگرانه آمریکتس بوده که میخواهد با تو سنبل به آید و تهدید از دستر اسکندر سالیان آگاه و پیشرو جنبوشی ی کند و این مقامات جاگه در ولایت پنج تا کسبل داشتن بولیس و زاده ارم از تظاهرات تنظیم مسامت بعمل آورده.

کارکنان معترم جریده شعله جاوید در این جریده بعد از دهه مسوق اولی جریده است که از حسنون بدین شده کارگران و معلمان و توده های و استسکس سرورم در مع ندرده و همیشه صدای مبارک است.

صدا رسدگان تا ربیع بشر هستیم اندیش میدهم، تما دارم که وین سدور این جریده این هفته را بر فراز آید.

امدیبه از این قرار است: در روز پنجشنبه ۱۶ نور سه بر تدهم نسبت محوری بناموری برای احراقی کارهای خانه سود بیسی آب سانی و نسس کلا و پالنه کردن خانوار و بیسی کارهای شاقه دیگر است و خواصت بیگنر کارگر پروژورا بداند بر گرفته کارگر جوانان بر حلال قبل آموز وزیر بار من فت که در لیده کارگر بر سول بدهاز

رویکرد ها :

یک - کتاب درنگی بر : برخی دریافت ها و رویداد های افغانستان در قرن بیستم.
اثر دکتور سید هاشم صاعد - صفحه 134

دو - کتاب درنگی بر : برخی دریافت ها و رویداد های افغانستان در قرن
بیستم. اثر دکتور سید هاشم صاعد

(صفحات 140 - 41 و 142 کتاب استاد دکتور سید هاشم صاعد)

سه -

چند مقاله و خبر و گزارش از جراید شعله را که از پانزدهم حمل سال 1347 تا 23
جوزای سال 1347 برابر به 4 اپریل سال 1968 تا 13 جون یعنی 1968 یعنی چهل و سه
سال پیش از امروز منتشر شده بودند و یازده شماره و هفته یکبار در مطبعه دولتی کابل با
حروف سربی منتشر شده بود ، در بالا خواندیم و می ببینیم که وضع کارگران در چهل
وسه سال پیش از امروز چگونه بوده است؟

من مقاله ها و گزارش ها را از روی جراید شعله جاوید دوباره تایپ نمودم تا دقیقتر خوانده
شوند. عکس مقالات و گزارش ها را در همین مقاله خدمت شما پیشکش نمودم. همچنان در
این گزارش عکسهای از وضعیت کارخانجات امروزی جنگلک و پلخمری و.. را با هم
میبینیم. این نوشته من سهم کوچکیست در باره اول ماه می و کارگران افغانستان.

من به پیشواز روز اول ماه می سال 2011 بخاطر علاقمندی به گذشته نبرد
طبقاتی کارگران در دو سده واپسین و زندگی حال و آینده کارگران و همبستگی
با کارگران افغانستان و جهان مصمم شدم تا این مقاله ها را از روی نشریه
شعله جاوید دوباره تایپ نمایم.

- اول ماه می و زندگی کارگران و رنجبران را در چهل و سه سال پیش از
امروز در همین جا منتشر میگردانم .

اول ماه می سال 2011